

فصل : اول

اسم‌های حروف الفباء در زبان عربی:

الف (همزه) - باء - تاء - ثاء - جیم - حاء - خاء - دال - ذال - راء - زاء - سین - شین - صاد - ضاد - طاء - ظاء - عین - غین - فاء - قاف - کاف - لام - میم - نون - هاء - واو - یاء

حروغ «گ، چ، پ، ژ» در عربی نوشتاری (فَصیح) وجود ندارد.

کلمات در زبان عربی به ۳ دسته تقسیم می‌شوند.

۱- اسم ۲- فعل ۳- حرف

۱- اسم کلمه‌ای است که برای نامیدن انسان، جانداران، اشیاء و... به کار می‌رود. حسامٌ، سمیرةٌ، الطالبُ، الطالبةُ، بحرٌ - حدیقةٌ - بقرَةٌ و...

اسمی که به یک شخص، یک چیز دلالت کند، مفرد نامیده می‌شود. سعیدٌ -

کتاب

اسمی که به دو شخص یا دو چیز دلالت کند مثنی نامیده می‌شود. طالبانِ

کتابانِ - شَجَرَتانِ - شَجَرَتینِ

اسمی که به بیش از دو شخص یا دو چیز دلالت کند، جمع نامیده می‌شود.

حَافِظُونَ، أَشْجَارٌ، حَافِظَاتٌ، طُلَّابٌ

هر اسمی در عربی یا مذکر است یا مؤنث اسم مذکر: به اسم‌هایی که آخر آنها

به علامت «ة ة» ختم نشود مذکر می‌گویند. رَجُلٌ - جِدَارٌ

اسم مؤنث: به اسم‌هایی که آخر آنها به علامت «ة ة» ختم شود مؤنث

می‌گویند. اِمْرَأَةٌ - سَيَّارَةٌ

اسم اشاره: اسم‌هایی هستند که برای نشان دادن کسی یا چیزی به کار می‌رود.

تقسیم اسم اشاره: ۱- اسم اشاره نزدیک

۲- اسم اشاره دور

اسم اشاره نزدیک: برای نشان دادن کسی یا چیزی که فاصله‌اش با ما کم

است، به کار می‌رود.

۱- مذکر ← هذا (این) ۲- مؤنث ← هَذِهِ (این)

هذا رَجُلٌ ← این مردی است.

← این مرد است.

هَذِهِ اِمْرَأَةٌ ← این زنی است.

← این زن است.

👉 اسم اشاره دور: برای نشان دادن کسی یا چیزی که فاصله اش با ما زیاد است، بکار می رود.

۱- مذکر ← ذَلِكْ (آن)

۲- مؤنث ← تِلْكَ (آن)

ذَلِكْ رَجُلٌ ← (آن مردی است).

تِلْكَ اِمْرَاَةٌ ← (آن زنی است).

👉 اسم مثنی: «تثنیه» اسمی است که برای دو شخص و یا دو چیز بکار می رود، دو علامت «انِ - یِنِ» که به آخر اسم مفرد اضافه می شود.

طَالِبٌ ← (طَالِبَانِ - طَالِبَيْنِ)

👉 مثنای مذکر:

طَالِبَةٌ ← (طَالِبَتَانِ - طَالِبَتَيْنِ)

👉 مثنای مؤنث:

👉 اسم اشاره ی مثنی ← برای مثنای مذکر (هَذَا - هَذَيْنِ) و برای مثنای

مؤنث (هَاتَانِ - هَاتَيْنِ)

(هَذَا مُعَلِّمَانِ - هَذَيْنِ مُعَلِّمَيْنِ) (هَاتَانِ مُعَلِّمَتَانِ - هَاتَيْنِ مُعَلِّمَتَيْنِ)

✳ نکته: «هذَانِ» و «هَاتَانِ» به معنای «این دو، اینها» بکار می‌روند.

هذَانِ الزَّارِعَانِ ← این دو «اینها» کشاورز هستند.

هَاتَانِ الْبِنْتَانِ ← این دو «اینها» دختر هستند.

✳ نکته: گاهی «هذَانِ» و «هَاتَانِ» در جمله به معنای «این» و به صورت مفرد ترجمه می‌شوند.

هذَانِ طَالِبَانِ مُؤَفَّقَانِ. ← این دانش‌آموزان «دو دانش‌آموز مؤفّق هستند.

هَاتَانِ طَالِبَتَانِ مُؤَفَّقَتَانِ. ← این دانش‌آموزان «دو دانش‌آموز مؤفّق هستند.

✳ اسم این علامت‌ها را به خاطر بسپارید:

ـَ (فتحه) / ـِ (کسره) / ـُ (ضمّه) / ـ (سکون) / تنوین ً / تنوین ٍ / تنوین ِ

نصب ً (تنوین جرّ) (تنوین رفع ُ)

اسم جمع: اسمی که بر بیش از دو شخص یا دو چیز به کار می‌رود و به دو دسته تقسیم می‌شود.

تقسیم اسم جمع: ۱- جمع سالم ۲- جمع مکسر (شکسته)

✳ جمع سالم: هرگاه به اسم مفرد علامت‌های جمع را اضافه کنیم و شکل مفرد آن تغییر نکند و یا شکسته نشود به آن جمع سالم می‌گویند و به دو دسته تقسیم می‌گردد.

۱- جمع مذکر سالم ← دارای دو علامت است: («وَنَ» و «یْنَ») ←
مُعَلِّمُونَ، مُعَلِّمِينَ.

۲- جمع مؤنث سالم ← علامت آن (ات) می‌باشد. ← مُعَلِّمَات

توجه: شکل مفرد «مُعَلِّم» در دو جمع («مذکر و مؤنث» سالم) تغییر نکرد و فقط علامت‌های جمع را دریافت کرده است.

نکته: جمع مؤنث در حالت جمع بسته شدن، شکل مفرد آن علامت «مؤنث» خود را از دست می‌دهد. مثال: مؤمِنَةٌ ← مؤمِنَات

جمع مکسر (شکسته): این نوع از جمع، شکل مفرد آن تغییر کرده و علامتی از جمع دریافت نمی‌کند و قاعده‌ی خاصی ندارد.

مثال ← حَدِيقَةٌ = حَدَائِقُ مِفْتَاحٌ = مَفَاتِيحُ مَسْجِدٌ = مَسَاجِدُ مَدْرَسَةٌ = مَدَارِسُ

اسم اشاره‌ی جمع: اسم اشاره‌ی «هولاءِ» ← نزدیک (اینها، اینان) و

«أولئكَ» ← دور (آنان، آنها)

در کاربرد جمع مذکر و جمع مؤنث مشترک می‌باشند.

(هولاءِ مُعَلِّمُونَ - أولئكَ مُعَلِّمُونَ) (هولاءِ مُعَلِّمَات - أولئكَ مُعَلِّمَات)

اینها، معلّمان هستند. - آنان معلّمان هستند - آنان معلّمان هستند.

نکته: گاهی اسم اشاره‌ی جمع در معنای مفرد «این و آن» ظاهر می‌شود.

هؤلاءِ المَعْلَمُونَ ← این، معلّمان هستند. أولئكِ المؤمناتُ ← آن، مؤمنان

هستند.

اسم مفرد، مثنی و جمع

عدد و جنس	نشانه	مثال
مفرد مذکر	---	مُهَنْدِسٌ
مفرد مؤنث	ة	مُهَنْدِسَةٌ
مثنی (مذکر، مؤنث)	انِ و - ینِ	مُهَنْدِسَانِ و مُهَنْدِسَيْنِ مُهَنْدِسَاتِ و مُهَنْدِسَاتَيْنِ
جمع مذکر سالم	ونَ - ینَ	مُهَنْدِسُونَ، مُهَنْدِسِينَ
جمع مؤنث سالم	ات	مُهَنْدِسَات
جمع مکسر	---	کُتُبٌ

اسم اشاره

این	هَذَا	مفرد مذکر (نزدیک)
این	هَذِهِ	مفرد مؤنث (نزدیک)
این دو (ایتان)	هَذَانِ	مثنی مذکر (نزدیک)
این دو (ایتان)	هَاتَانِ	مثنی مؤنث (نزدیک)
اینها (اینان)	هَؤُلَاءِ	جمع (مذکر و مؤنث) (نزدیک)
آن	ذَلِكَ	مفرد مذکر (دور)
آن	تِلْكَ	مفرد مؤنث (دور)
آنها (آنان)	أُولَئِكَ	جمع (مذکر و مؤنث) (دور)

فصل : دوم

👉 کلمات پرسشی: به کلماتی گفته می شود که در ابتدای جمله ی پرسشی قرار می گیرند و برای سؤالی کردن جمله بکار می روند.

👉 نکته: در زبان فارسی برای سؤالی کردن دو مورد چیزهایی که شک داریم از کلمه ی پرسشی «هَلْ یا أ» به معنی «آیا» استفاده می کنیم.

👉 توجه: «هَلْ و أ» در ابتدای جمله می آیند و بعد از آنها یک اسم اشاره یا یک اسم به همراه نام چیزی می آیند.

مثال: هَلْ هَذَا عِنَبٌ؟ ← آیا این، انگور است؟ أَهَذِهِ، شَجَرَةُ الرُّمَّانِ؟ آیا این، درختِ انار است؟

👉 توجه: در پاسخ سؤال با «هَلْ و أ» اگر جواب مثبت باشد، می گوئیم «نَعَمْ» به معنی «بله» و اگر جواب منفی باشد می گوئیم «لا» به معنی «نه»

مثال ← هَلْ هَذَا جَبَلٌ؟ ← نَعَمْ هَذَا جَبَلٌ ← آیا این کوه است ← بله این کوه است.

مثال: هَلْ هُنَا، مَدِينَةٌ؟ ← لا، هُنَا قَرْيَةٌ. ← آیا اینجا شهر است؟ نه، اینجا روستا است.

نکته: کلمه‌ی «هنا» برای اشاره به مکان و جای نزدیک به کار می‌رود.

نکته: گاهی جملات در معنا با یک تفاوت اندکی روبرو هستند که باید مورد نظر قرار داد.

هذا، كَنْزٌ كَبِيرٌ. ← این، گنجی بزرگ است.

هذا الكَنْزُ، كَبِيرٌ. ← این گنج، بزرگ است.

کلمه‌ی پرسشی: یکی دیگر از کلمه‌ی پرسشی «مَنْ» برای سؤالی کردن در

مورد اشخاص به معنی «کیست» می‌باشد ← مَنْ أَنْتَ؟ ← انا طَالِبٌ.

تو کیستی؟ من دانش آموز هستم.

نکته: کلمه پرسشی «مَنْ» مخصوص انسان است و برای حیوانات و اشیاء بکار

نمی‌رود ولی اگر بخواهیم گاهی به حیوانات یا اشیاء شخصیت انسانی بدهیم، می‌توانیم استفاده کنیم.

نکته: گاهی «مَنْ» به صورت «لِمَنْ» بکار می‌رود و معنای «مالکیت» می‌دهد.

مال چه کسی؟ - مال چه کسانی؟

مثال: لِمَنْ هَذِهِ الشَّجَرَاتُ؟ ← این درختان مال چه کسی است؟

لِلْفَلَاحِينِ ← مال کشاورزان است.

نکته: اگر «مَنْ» به همراه «هُوَ و هِيَ» بیاید به صورت «مَنْ هُو؟» و «مَنْ هِيَ؟» بکار می‌رود در نتیجه:

مَنْ هُو؟ برای مذکر بکار می‌رود. مَنْ هُو؟ ← هُو مُعَلِّمٌ الْعَرَبِي.

مَنْ هِيَ؟ برای مؤنث به کار می‌رود. مَنْ هِيَ؟ ← هِيَ مُعَلِّمَةٌ الْفَارْسِي.

نکته: اگر «مَنْ» به همراه «أَنْتَ و أَنْتِ» بیاید به صورت (مَنْ أَنْتَ) و (مَنْ أَنْتِ؟) به کار می‌رود.

و در نتیجه: مَنْ أَنْتَ؟ برای مذکر ← مَنْ أَنْتَ؟ ← أَنْتَ مَدِيرُ الْمَدْرَسَةِ.

مَنْ أَنْتِ؟ برای مؤنث ← مَنْ أَنْتِ؟ ← أَنْتَ مَدِيرَةٌ الْمَدْرَسَةِ.

توجه: در پاسخ به سوالی که با «مَنْ» شروع شده است، معمولاً نام اشخاص و یا شغل آنها در جواب بیان می‌گردد.

مَنْ هُو؟ ← هُوَ طَالِبٌ ← او کیست؟ ← او دانش آموز است.

کلمه پرسشی: یکی دیگر از کلمات پرسشی «ما» می‌باشد که برای سؤال کردن در مورد چیزهای مختلف استفاده می‌شود و به معنای «چیست؟» بکار می‌رود.

ما هذا؟ ← هذا كِتَابٌ ← این چیست؟ ← این کتاب است.

ما هَذِهِ؟ هَذِهِ حَديقَةٌ ← این چیست؟ ← این باغ است.

نکته: کلمه‌ی پرسشی «ما» می‌تواند به صورت «ماذا-ماهو-ماهی» بکار رود.

مثال: ماذا في الصورة؟ در تصویر چیست؟

ما هو الموضوع؟ موضوع چیست؟

ما هي الحقيبة؟ در چمدان چیست؟

نکته: «هُوَ و هِيَ» در «ماهو» و «ماهی» ترجمه نمی‌شود و آوردن آن اختیاری است.

ما هو المشكل؟ = ما المشكل؟

ما هي القضية؟ = ما القضية؟

درس : سوم

یکی دیگر از کلمات پرسشی «أین» است. برای سؤال کردن در مورد مکان

کسی یا چیزی بکار می‌رود و به معنای «کجا یا کجاست» استفاده می‌شود.

أین القلم؟ ← قلم کجاست؟ / أین الطالب؟ ← دانش‌آموز (پسر) کجاست؟

برای پاسخ دادن به سؤالی که با اَیْن شروع شده می توان از کلمات مختلف برای پاسخ استفاده کرد. این کلمات عبارتند از:

فَوْقَ (بالای) - اَمَامَ (مقابل، جلو، روبرو) - جَنْبَ (کنار، پهلو) - خَلْفَ «وَرَاءَ»

(پشت، پشت سر) - عَلَيِ الْيَمِينِ (طرف (سمت) راست) عَلَيِ الْاَيْسَارِ (طرف (سمت) چپ)

- هُنَا (اینجا) - هُنَاكَ (آنجا) - عَلَيِ (بر، بروی) - فِي (در، در داخل) - تَحْتَ (زیر)

عِنْدَ (نزد، پیش) - بَيْنَ (میان) - حَوْلَ (اطراف، پیرامون)

مثال: اَيْنَ الْحَمَامَةِ؟ الْحَمَامَةُ فَوْقَ الْجِدَارِ. کبوتر کجاست؟ کبوتر بالای

دیوار است.

مثال: اَيْنَ هُنَاكَ؟ هُنَاكَ قَرْيَةٌ. آنجا کجاست؟ آنجا روستا است.

برای اینکه از کسی بپرسیم «شما اهل کجا هستید؟» از اصطلاح «مِنْ اَيْنَ اَنْتَ؟»

استفاده می کنیم.

مثال (۱) مِنْ اَيْنَ اَنْتَ؟ اَنَا مِنْ اِيْرَانَ «أنا إيراني» شما اهل کجا هستی؟ من

ایرانی هستم. (مذکر پسر یا مرد)

مثال (۲) مِنْ آيِنَ أَنْتِ؟ أَنَا مِنْ إِيْرَانِ «أَنَا إِيْرَانِيَّةٌ» شما اهل کجا هستی؟ من ایرانی هستم. (مؤنث دختر یا زن)

اصطلاح «عَلَيْكَ» در معنا به صورت «بر تو لازم است که، تو باید» بکار می‌رود.

مثال: عَلَيْكَ بِالشُّكْرِ. (بر تو لازم است شکر (سپاس‌گذاری) کنی. تو باید شکر کنی.)

کلمه پرسش «کَمْ» به معنای «چند» می‌باشد و در مورد سؤال از تعداد انسانها و

چیزهای مختلف و ... بکار می‌رود. مثال: کَمْ طَالِبًا فِي الصَّفِّ؟ أَحَدَ عَشَرَ طَالِبًا.

چند دانش‌آموز در کلاس است؟ یازده دانش‌آموز. کَمْ كِتَابًا عَلَي الْمُنْصَدَةِ؟

ثَمَانِيَةَ كِتَابًا. چند کتاب روی میز است؟ هشت کتاب.

اعداد اصلی: ۱- وَاحِدٍ - ۲- إِثْنَانِ - ۳- ثَلَاثَةٌ - ۴- أَرْبَعَةٌ - ۵- خَمْسَةٌ - ۶- سِتَّةٌ

۷- سَبْعَةٌ - ۸- ثَمَانِيَةٌ - ۹- تِسْعَةٌ - ۱۰- عَشْرَةٌ - ۱۱- أَحَدَ عَشَرَ - ۱۲- إِثْنَاعَشَرَ

فصل : چهارم

کلمه پرسشی کَيْفَ درباره‌ی کیفیت و حالت را انجام می‌دهد و به معنای «چگونه» «چطور» است.

كَيْفَ أَنْتِ (أَنْتِ)؟ أَنَا بِخَيْرٍ ← تو چطوری؟ من خوبم.

کلمات پرسشی

مثال

معنی

کلمه پرسشی

هَلْ هَذَا جُنْدِيٌّ؟ (أَمْ هَذَا نُدِيٌّ؟)
نعم هذا جندي. (لا؛ هذا طالب).

آیا

أ، هَلْ

مَنْ هُوَ؟
هُوَ، مُدِيرُ الْمَدْرَسَةِ.

چه کسی،
کیست، چه کسانی

مَنْ
(مَنْ هُوَ؟ مَنْ هِيَ؟)

لِمَنْ، هَذِهِ الْحَقِيبَةُ؟
هَذِهِ الْحَقِيبَةُ، لِصَدِيقِي.

مالِ چه کسی

لِمَنْ

مَا ذَلِكَ؟
ذَلِكَ قَلَمٌ.

چیست، چه چیزی

مَا
(مَا هُوَ؟ مَا هِيَ؟)
ماذا

أَيْنَ الْحَدِيقَةُ؟
الْحَدِيقَةُ خَلْفَ الْفُنْدُقِ.

کجا

أَيْنَ

كَمْ طَالِبًا فِي الصَّفِّ؟
عَشْرَةٌ طُلَّابٌ.

چند

كَمْ

كَيْفَ حَالُكَ (حَالُكَ)؟ أَنَا بِخَيْرٍ





چطور

كَيْفَ

فصل پنجم

فعل کلمه‌ای است که بر انجام دادن کاری یا روی دادن حالتی در یکی از زمان‌های «گذشته-حال-آینده» دلالت می‌کند.

فعل ماضی: فعلی است که انجام دادن کاری یا روی دادن حالتی را در زمان گذشته بیان می‌کند. مثال: **ذَهَبَ** ← رفت **كَتَبَ** ← نوشت **جَلَسَ** ← نشست

ترجمه	ضمیر منفصل (جدا) + فعل	شکل یا نماد
اول شخص مفرد	من تکلیفم را نوشتم	آنا كَتَبْتُ واجِبِي  
دوم شخص مفرد	تو تکلیفت را نوشتی	أنتِ كَتَبْتِ اجِبِيكَ 
دوم شخص مفرد	تو تکلیفت را نوشتی	أنتِ كَتَبْتِ واجِبِيكَ 

نکته: فعل ماضی در معادل اول شخص مفرد فارسی که به عربی متکلم وحده نامیده می‌شود، از نظر شکل ضمیر منفصل جدا، فعل ماضی و ضمیر متصل برای مذکر و مؤنث یک شکل است.

نکته: آهنگ تلفظ فعل : به آهنگ تلفظ هر کلمه در زبان عربی «وزن» می‌گویند. فعل ماضی بر سه وزن « فَعَلَ - فَعِلَ - فَعَلَّ » می‌آید.

فَعَلَ ← دَخَلَ - خَرَجَ - ذَهَبَ

فَعِلَ ← سَمِعَ - شَرِبَ - لَعِبَ

فَعَلَّ ← قَرُبَ - بَعُدَ - كَثُرَ

نکته: فعل ماضی در عربی به ۱۴ صیغه (شکل یا شخص) می‌آید. ۶ صیغه در غائب و ۶ صیغه در مخاطب و ۲ صیغه در متکلم. به هر یک از شکل‌های مختلف کلمه که صرف می‌شود «صیغه» می‌گویند. کَتَبَ - كَتَبَا - كَتَبُوا ...

نکته : ضمیر کلمه‌ای است که جانشین اسم می‌شود و از تکرار اسم در جمله جلوگیری می‌کند.

ضمیر بردونوع است. الف) ضمیر منفصل (جدا)

مثال: هُوَ (او) مذکر هِيَ (او) مؤنث أَنَا (من / مشترک بین مذکر و مؤنث)

ضمیر متصل (پیوسته) : ضمیری است که به تنهایی نمی آید بلکه همیشه به کلمه

دیگری از اسم - فعل - حرف، متصل می شود. کتابٌ + كِ ← کتابُك

کتابت (کتاب تو)

اسم ضمیر (نکته: ضمیر متصل را می توان به دوشکل در جمله ترجمه کرد.

هذا اخی (۱- این برادرم است) . ۲- این برادر من است.)

کتابٌ + كِ ← کتابُك کتابت (کتاب تو) مؤنث کتاب + ی ←

کتابی (کتابم) کتاب من (مشترک بین مذکر و مؤنث)

ضمیر منفصل (جدا) و ضمیر متصل پیوسته مانند فعل ماضی در ۱۴ صیغه (شکل

یا شخص) می آید که در هر درس به آن اشاره می کنیم.



توجه : صرف ضمیر منفصل (جدا) + فعل ماضی + ضمیر متصل (عربی) در هر

درس به ترتیب و معادل اوّل شخص مفرد (من) - دوم شخص مفرد (تو) - سوم

شخص مفرد (او) اوّل شخص جمع (ما) - دوم شخص جمع (شما) - سوم شخص

جمع (آنها) در زبان فارسی آموخته می شود.

درس : نَشْم

شکل یا نماد	ضمیر منفصل (جدا) + فعل ماضی + ضمیر متصل	ترجمه	
	هُوَ كَتَبَ وَاجِبَهُ	او تکلیفش را نوشت	سوم شخص مفرد
	هِيَ كَتَبَتْ وَاجِبَهَا	او تکلیفش را نوشت	سوم شخص مفرد

نکته: «یا ایُّها» برای مذکر بکار می‌رود و «یا ایتُّها» برای مؤنث بکار می‌رود، گاهی حرف «یا» هم حذف می‌شود و در معنا «ای» بکار می‌روند.

مثال: یا ایُّها الرَّجُلُ! ← ای مرد

یا ایتُّها المرأَةُ! ← ای زن

نکته: در ترجمه فارسی دقت شود. مثال ← ذَهَبَ طَالِبٌ ← دانش‌آموزی رفت. ذَهَبَ الطَّالِبُ ← دانش‌آموز رفت.

نکته: فعل ماضی را می‌توان در دو صورت ترجمه کرد. مَنْ زَرَعَ الْخَيْرَ، حَصَدَ الْحَسَنَةَ. هر کس خوبی کاشت (بکار داد) نیکی درو کرد (درو می‌کند).

الف) هر کسی خیر (خوبی) کاشت، نیکی (پاداش) درو کرد.

ب) هر کس خیر (خوبی) بکار داد، نیکی (پاداش) درو می‌کند.

درس : هفتم

فعل ماضی با حرف «ما» منفی می شود مانند : دَهَبَ : رفت ← ما دَهَبَ :

نرفت لَعِبُوا: بازی کردند/ ما لَعِبُوا: بازی نکردند

هرگاه حرف «ما» را بر سر فعل ماضی بیاوریم به ماضی منفی تبدیل می شود و در ۱۴ صیغه (شکل) فعل ماضی منفی می شود و معنای فعل هم منفی می شود.

ما + كَتَبَ ← ما كَتَبَ ← نوشت. هُوَ ما كَتَبَ ← او نوشت (مذکر) /

هِيَ ما كَتَبَتْ ← او نوشت (مؤنث)

۱۴ صیغه (شکل) ماضی منفی از كَتَبَ: ۱- ما كَتَبَ ۲- ما كَتَبَا ۳- ما كَتَبُوا

۴- ما كَتَبْتُمْ ۵- ما كَتَبْنَا ۶- ما كَتَبْنَ

۷- ما كَتَبْتَ ۸- ما كَتَبْتُمَا ۹- ما كَتَبْتُمْ ۱۰- ما كَتَبْتِ ۱۱- ما كَتَبْتُمَا

۱۲- ما كَتَبْتِنِ ۱۳- ما كَتَبْتِ ۱۴- ما كَتَبْنَا

درس : هشتم

ترجمه

ضمیر منفصل (جدا) + فعل ماضی + ضمیر متصل

نَحْنُ

كَتَبْنَا

وَاجِبْنَا

ماتکلیفمان

اول شخص







را نوشتیم





جمع

نکته: فعل ماضی در معادل اول شخص جمع فارسی که به عربی متکلم مع الغیر؛ نامیده میشود، از نظر شکل ضمیر منفصل فعل ماضی و ضمیر متصل برای مذکر و مؤنث یک شکل است.

درس : نهم

ترجمه فارسی		ضمیر منفصل (جدا) + فعل ماضی + ضمیر متصل			شکل یا نماد
دوم شخص جمع	شما تکلیفتان را نوشتید	وَأَجِبْكُمْ	كَتَبْتُمْ	أَنْتُمْ	
دوم شخص جمع	شما تکلیفتان را نوشتید	وَأَجِبْكُمْ	كَتَبْتُمْ	أَنْتُمْ	
دوم شخص جمع	شما تکلیفتان را نوشتید	وَأَجِبْكُمْ	كَتَبْتُمْ	أَنْتُمْ	
دوم شخص جمع	شما تکلیفتان را نوشتید	وَأَجِبْكُنَّ	كَتَبْتُنَّ	أَنْتُنَّ	

نکته: مثنای مذکر مخاطب و مثنای مؤنث مخاطب از نظر شکل نوشتن یکسان هستند.

ترجمه فارسی		ضمیر منفصل (جدا) + فعل ماضی + ضمیر متصل			شکل یا نماد
سوم شخص جمع	ایشان تکلیفشان را نوشتند	وَأَجِبْهُمْ	كَتَبُوا	هُمْ	
سوم شخص جمع	ایشان تکلیفشان را نوشتند	وَأَجِبْهُمْ	كَتَبُوا	هُمْ	
سوم شخص جمع	ایشان تکلیفشان را نوشتند	وَأَجِبْهُنَّ	كَتَبْنَ	هُنَّ	
سوم شخص جمع	ایشان تکلیفشان را نوشتند	وَأَجِبْهُنَّ	كَتَبْنَ	هُنَّ	

نکته: مثنای مذکر غایب و مثنای مؤنث غایب از نظر شکل نوشتن ضمیر منفصل (جدا) و ضمیر متصل یکسان هستند.

روزهای هفته به عربی : يَوْمُ السَّبْتِ (شنبه)، الْأَحَدِ (یکشنبه)، الْإِثْنَيْنِ (دوشنبه)، الثَّلَاثَاءِ (سه شنبه)، الْأَرْبَعَاءِ (چهارشنبه)، الْخَمِيسِ (پنجشنبه)، الْجُمُعَةِ (جمعه)
 نام فصل‌ها به عربی :

الرَّبِيعُ (بهار)، الصَّيْفُ (تابستان)، الْخَرِيفُ (پاییز)، الشِّتَاءُ (زمستان)

مثال : الْجَوُّ فِي الرَّبِيعِ مُعْتَدِلٌ، هوا در بهار معتدل است.

مثال : الصَّيْفُ حَارٌّ، تابستان گرم است.

مثال : الْخَرِيفُ لِحَارٌّ وَلِبَارِدٌ، پاییز نه گرم و نه سرد است.

مثال : الشِّتَاءُ بَارِدٌ، زمستان سرد است.

برخی از واژگان «رنگ» در زبان عربی :

أَبْيَضٌ ← سفید

مثال : لَوْنُ السَّحَابِ، أَبْيَضٌ. رنگ ابر، سفید است.

أَسْوَدٌ ← سیاه

مثال : لَوْنُ الْغُرَابِ، أَسْوَدٌ. رنگ کلاغ، سیاه است

أَزْرَقٌ ← آبی

مثال : لَوْنُ السَّمَاءِ، أَزْرَقٌ. رنگ آسمان، آبی است.

أَحْمَرٌ ← قرمز

مثال : لَوْنُ الرُّمَانِ، أَحْمَرٌ. رنگ انار، قرمز است.

أَخْضَرٌ ← سبز

مثال : لَوْنُ الْأَوْراقِ، أَخْضَرٌ. رنگ برگ‌ها، سبز است. أَصْفَرٌ ← زرد
 مثال : لَوْنُ الْمَوْزِ، أَصْفَرٌ. رنگ موز زرد است.

ماهِي ألوان عَلَمِ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ؟ الْأَخْضَرُ وَالْأَبْيَضُ وَالْأَحْمَرُ ← (رنگهای پرچم جمهوری اسلامی ایران چیست؟ سبز و سفید و قرمز)

مثال‌هایی برای ایام هفته : يَوْمُ السَّبْتِ بِدَايَةِ أَيَّامِ الْأَسْبُوعِ. أَمْسِ كَانَ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ وَعَدَا يَوْمَ الْخَمِيسِ.

اليَوْمُ يَوْمُ الْأَحَدِ وَ عَدَا يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ. / أَمْسِ كَانَ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ. / اليَوْمُ يَوْمُ الْأَرْبَعَاءِ. / كُمْ عَدَدُ أَيَّامِ الْأَسْبُوعِ؟ سَبْعَةٌ.

